

کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی^۱

محسن حسن پور

دانشجوی دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید محمد موسوی بجنوردی^۲

استاد بازنشسته دانشگاه خوارزمی و مدیر گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی تهران

مریم ابن تراب

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی فقه و مبانی حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵

چکیده

محیط زیست و شهرسازی دو مقوله هم پیوند و دارای تأثیر و تأثر متقابل بوده که در ایران وضعیت استاندارد و مطلوبی نداشته و نیازمند برنامه‌ریزی بومی است. بی‌شک در کنار سازوکارهای موجود و تجربیات بعضاً مطلوب داخلی و بین‌المللی در زمینه حفاظت از محیط زیست و معماری و شهرسازی پایدار بایستی از قواعد فقهی و اسلامی برای سامان بخشیدن به این حوزه و طرح اندازی استفاده کرد؛ اما مهم‌ترین نکته در بحث حفاظت از محیط زیست و معماری و شهرسازی جلوگیری از آسیب رساندن به محیط زیست و انسان‌ها است که در فقه اسلامی نیز این مسئله در قالب قاعده کلان فقهی لاضرر بیان شده است. هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی است. سؤال اصلی مقاله این است که آیا از قاعده لاضرر و لاضرار می‌توان برای حفاظت از محیط زیست و شهرسازی استاندارد و اصولی استفاده کرد؟ فرضیه‌ای را که در این مقاله برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی در صدد تحلیل و بررسی آن هستیم این است که تخریب محیط زیست و شهرسازی افسارگسیخته و متراکم و ناقض حریم انسان‌ها و محیط زیست همگی معلول مدل‌های توسعه و شهرسازی غربی و غیربومی هستند و راه حل غلبه بر آن‌ها نیز در رجعت دوباره به همان مدل‌های توسعه غربی نیست. در فرهنگ اسلامی برای غلبه بر این دو مشکل بزرگ مهم‌ترین و اساسی‌ترین قاعده قاعده لاضرر است زیرا هم ظرفیت اخلاق و دین و هم فقه و قانون را در برابر ناقضان محیط زیست و شهرسازی غیر استاندارد و متناقض با حقوق انسان‌های و محیط زیست فعال و کارآمدتر می‌کند. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مقالات علمی و پژوهشی است.

واژگان کلیدی: قاعده لاضرر، محیط زیست، حفاظت، معماری، شهرسازی اسلامی و ایرانی.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی با عنوان «قاعده لاضرر و موارد استناد آن در فقه امامیه و

مذاهب اربعه» می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) mosavi@ri-khomeini.com

مقدمه

بحران محیط زیست که امروزه به یک مساله جدی و قابل تامل بدل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. امروزه این خطر وجود دارد که انسان زمین سکونتگاه و کشت پذیر خود را به نابودی بکشاند. به طوری که گستردگی و اهمیت این موضوع، توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است. وضعیت محیط زیست ایران نیز بسیار نامناسب است. تنها هوا در معرض خطر نیست بلکه تالاب‌ها، دریاچه‌ها، رودها و منابع زیرزمینی کشور هم در حال از بین رفتن و نابودی هستند و نه تنها حال و روز خوشی ندارند. در کنار کمبود آب و روند تبدیل شدن خاک‌های حاصل خیز به بیابان، آلودگی هوا را نیز باید افزود. سه عامل مهم در طبیعت وجود دارد که می‌تواند آثار مخربی روی محیط زیست ایجاد کند: آلودگی هوا، آلودگی آب و آلودگی خاک؛ که اخیراً موجب گردیده ایران با خطرات زیست محیطی مهم دیگری نیز مواجه گردد. از جمله آلودگی‌های محیطی که اثرات پیدا و پنهان زیادی بر جسم و روان شهروندان دارد، آلودگی هوا است. به گفته سازمان بهداشت جهانی ۱۹۹۲ میلادی، آلودگی هوا یک بحران جدی و اولویت دار محیطی است که توجه دولت مردان را به خود جلب کرده است. طبق گفته سازمان بهداشت جهانی، سه شهر از پنج شهر نخست در فهرست آلوده‌ترین شهرهای جهان-اهواز، کرمانشاه و سنندج- در ایران قرار دارند که میزان آلودگی هوا در این شهرها از چهار تا هفت برابر سطح قابل قبول سازمان بهداشت جهانی برآورد شده است. ایران به سبب کیفیت نامطلوب هوا در سرتاسر کشور، از میان ۹۱ کشور مورد بررسی، در جایگاه ۸۶ ام قرار گرفته است. آلاینده‌های هوا، تنها در تهران منجر به مرگ سالانه بیش از ۵/۵۰۰ نفر بر اثر بیماری‌های قلبی- عروقی و تنفسی می‌شوند.

بانک داده‌های سازمان بهداشت جهانی در مورد آلودگی هوا در سال ۲۰۱۶ مربوط به ۳۰۰۰ شهر در ۱۰۳ کشور می‌شود. در دوره پنج سال ۲۰۱۳-۲۰۰۸ میلادی سطح آلودگی هوای مناطق شهری، با وجود پیشرفت در برخی شهرها، ۸ درصد افزایش یافت. در نتیجه، خطر ابتلا به سکنه مغزی، بیماری قلبی، سرطان ریه و بیماری‌های مزمن و حاد تنفسی، برای افراد شهرنشین جدی‌تر شده است. کیفیت هوای ۹۸ درصد از شهرهای دارای بیش از ۱۰۰۰۰۰ سکنه در کشورهای با درآمد کم یا متوسط، با دستورالعمل‌های کیفیت هوای سازمان بهداشت جهانی مطابقت ندارد. در مقایسه، این درصد برای کشورهای با درآمد بالا به ۵۶ درصد کاهش پیدا کرده است. البته باید به تفاوت‌های درون کشورها نیز توجه داشت. به طور مثال، چین بر اساس کیفیت هوا در پکن در میان آلوده‌ترین کشورهای جهان قرار دارد، اما مناطق کوهستانی و بیابانی کمتر توسعه یافته در این کشور هوای مناسبی دارند (EPI, 2016).

ارزیابی داده‌های بهداشت جهانی برای ۱۹۴ کشور نشان‌دهنده چالش‌های پیش روی دولت‌ها در زمینه کاهش مرگ و میر ناشی از محیط زیست ناسالم است؛ و به ویژه آلودگی هوا بار اقتصادی زیادی بر دولت‌ها تحمیل کرده است. به باور کارشناسان، اگر سیاست‌گذاران ندانند که چه عواملی موجب بیماری و مرگ و میر مردم می‌شود، به سختی قادر خواهند بود که راه حل مؤثر برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها را پیدا کنند. ۲۳ درصد از کل مرگ و میرها در جهان مربوط به شرایط محیط زیستی می‌شود. استفاده ۳ میلیارد نفر در جهان از سوخت‌های فسیلی مانند چوب و زغال سنگ در منازل به افزایش میزان آلودگی هوا منجر شده است. در سال ۲۰۱۲ میلادی آلودگی هوای خانه‌ها موجب ۴ / ۳ میلیون مرگ و میر شد. در همان سال، ۶ / ۱۲ میلیون نفر بر اثر زندگی و کار در محیطی ناسالم جان باختند. در

۲۰۱۴ میلادی بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کردند که کیفیت هوای پایین‌تر از استانداردهای سازمان بهداشت جهانی داشتند، به طوری که این شرایط محیط زیستی در ۲۰۱۲ میلادی به طور متوسط به ۱۷۱ مرگ و میر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر منجر شد. دو درصد از مرگ و میر جهانی در سال ۲۰۱۳ بر اثر مصرف آب ناامن بود؛ در حالی که تلفات جانی ناشی از آلودگی هوا معادل ۱۰ درصد بود. اگرچه توسعه اقتصادی به بهبود برخی شرایط محیط زیستی منجر شده، اما در برخی موارد با افزایش خطرهایی برای سلامت انسان همراه بوده است. رشد بخش‌های صنعتی، روند افزایش جمعیت و شهرنشینی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا را در دهه گذشته افزایش داده است. آلودگی هوا به هیچ کشور یا گروه خاصی محدود نمی‌شود؛ و مسئله‌ای جهانی است. بیش از ۵/۳ میلیارد نفر در کشورهایی با کیفیت هوای نامناسب زندگی می‌کنند. در چین و کره جنوبی بیش از ۵۰ درصد از مردم در معرض سطوح ناامن ذرات معلق ریزند و ۷۵ درصد از ساکنان هند و نپال در چنین محیط ناسالمی زندگی می‌کنند (EPI, 2016). ماهیت حفاظت از محیط زیست و نحوه صورت‌بندی و توزیع تکلیف به حفاظت، میان بازیگران دولتی و غیردولتی، همواره محل بحث و مناقشه‌ی سیاست‌های زیست محیطی بوده است. همواره این پرسش مطرح است که باید چه سیاستی را در زمینه‌ی محیط زیست اتخاذ نمود. در این میان ابهام و اجمال برخی از عبارات قانون اساسی و عادی در مورد وظیفه عمومی حفاظت دیدگاه‌های مختلفی را در مورد ساختار نظام حقوقی حفاظت و نسبت دولت با مقوله حمایت از محیط زیست مطرح نموده است در این زمینه از لحاظ تاریخی شاهد تحولات فکری متعددی بوده‌ایم. به اختصار می‌توان از سه رویکرد مختلف در رویه و نظریه عمومی‌سازی حفاظت از محیط زیست صحبت نمود. رویکرد نخست مبتنی بر نقش اساسی دولت در امر حفاظت از محیط زیست است (رویکرد دولت محور) بر این اساس، اجرای بسیاری از سیاست‌ها و قوانین و مقررات مربوط به تضمین این حق در ید انحصاری دولت است و از آنجا که امر حفاظت از محیط زیست دارای جنبه‌های عمومی و حاکمیتی است، نقش نهادها و سازمان‌های اجرایی نیز در این زمینه قابل توجه است. نحوه اجرای سیاست‌های عمومی در این زمینه که معمولاً به عنوان تکلیف شهروندان و دولت از آن‌ها یاد می‌گردد، ارتباط مستقیمی با تلقی دولت‌ها و شهروندان از این تکلیف عمومی دارد. رویکرد دوم حداقلی و مبتنی بر بدبینی به نهاد دولت بر امر حفاظت از محیط زیست استوار است. در این رویکرد دولت‌ها نه تنها حافظان خوبی نیستند، بلکه حضور و نقش‌دهی به دولت‌ها در این زمینه به معنای تخریب و نابودی محیط زیست خواهد بود. در این رویکرد از دولت‌ها خواسته می‌شود که در امر حفاظت از محیط زیست مداخله‌ای ننمایند و آن را به سایر بازیگران واگذار نمایند (رویکرد بدون دولت) در حالت معتدل و غیر لیبرتارین این نظریه دولت را شریک لازم می‌داند و تنها قائل به نقش نظارتی و حداقلی برای دولت است. در نهایت رویکرد سوم که مبتنی بر رویکرد همکاری گرایانه در امر حفاظت از محیط زیست است. در این رویکرد ضمن تعدیل دو نگاه پیش گفته از مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی صحبت می‌شود. بر این بنیان وظیفه عمومی حفاظت به همکاری دولت و شهروندان در حفاظت از محیط زیست تعبیر می‌گردد. رویکرد دولت محور، تکلیف اساسی حفاظت از محیط زیست را بر عهده دولت می‌نهد. در این دیدگاه اساساً حفاظت از محیط زیست امری است معطوف به امور حاکمیتی که نیازمند مداخله دولت و تمشیت آن است. در این رویکرد فرض بر این است که بازار و بخش خصوصی در حفاظت از محیط زیست و مقابله با پیامدهای منفی زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی ناتوان بوده و این

دولت است که اساساً مسئولیت اصلی حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک کالای عمومی را بر عهده دارد. از منظر تحلیل اقتصادی شکست مکانیسم بازار در عرضه کالاها و خدمات عمومی، عوارض جانبی زیست‌محیطی مداخله دولت را در بازار جهت اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی و جلوگیری از آلودگی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ و دولت‌ها معمولاً علاقه‌مند به مقررات گذاری زیست‌محیطی هستند. مداخله گرایان، کلاسیک‌ها یا کینزی‌ها از منظر اقتصادی، دولت‌های رفاهی از منظر اجتماعی، اکو سوسیالیست‌ها و برخی گرایش‌های اکو مارکسیست‌ها از منظر سیاسی عموماً مدافعان این رویکرد هستند. رویکردهای مبتنی بر فرمان و کنترل (صعودی) شاخص‌ترین ویژگی قواعدی است که در چارچوب چنین نظریاتی شکل می‌گیرند. معمولاً قوانین و مقررات وظایف نظارتی متعددی را برای دولت تعریف می‌نمایند. دولت‌ها در جهت تضمین حفاظت محیط زیست در جامعه به نظارت‌کنندگانی تبدیل شدند که بر اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از افراد، شرکت‌ها و گروه‌ها کنترل اعمال می‌نمایند. رویکرد دولت‌محور سنتی‌ترین نظریه در زمینه نسبت دولت و محیط زیست است و مبتنی بر اعمال نظارت‌های شدید بر اشخاص و بازیگران غیردولتی است فقدان همکاری و مذاکره میان بازیگران حفاظت، صلاحیت‌های انحصاری دولت در حفاظت، فقدان یا ضعف اراده سیاسی، مدیریت بخشی، غیر جامع، غیر منسجم و تبعیض‌آمیز، پراکندگی قوانین، وجود هنجارهای سخت و غیرقابل انعطاف، فرآیندهای قضایی طولانی و پیچیده و ضمانت اجراهای کمتر بازدارنده از مهم‌ترین مشخصات چنین رویکردی می‌تواند باشد. در این رویکرد اساساً ساختار دولتی حفاظت نیز به گونه‌ای شکل گرفته است که در آن سازوکارهای همکاری گرایانه رنگ می‌بازند و رابطه از بالا به پایین تعریف می‌شود. حفاظت از محیط زیست در چنین ساختاری بیشتر دولت ساخته و تکلیف محور است.

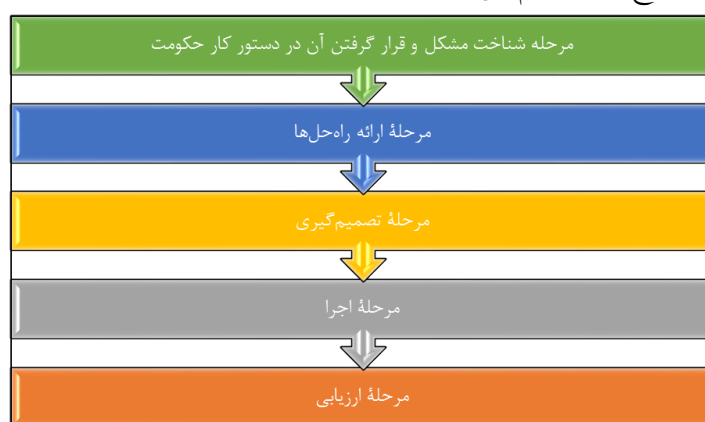
در رویکرد مبتنی بر فرمان و نظارت، رعایت نظامات مربوط به محیط زیست سالم بیشتر متوجه شهروند است و نظارت‌کننده تکلیف مشخصی را در این خصوص احساس نمی‌نماید. علاوه بر این نظارت شوندگان تمایل چندانی به اجرای استانداردهای بهتر و مطلوب‌تر از استانداردها را ندارند. در واقع تلقی شهروند از تکلیف حفاظت از محیط زیست بیشتر مبتنی بر روابط سازمانی وی با دولت است. نه اینکه واقعاً حفاظت از محیط زیست به مثابه یک امر خودجوش برای شهروندان یا سایر بازیگران غیردولتی تلقی گردد. امکان چانه‌زنی و ایفای نقش سایر بازیگران در امر حفاظت از محیط زیست نادیده انگاشته می‌شود. هزینه‌های سازمانی حفاظت از محیط زیست بالاست. جنس نظارت‌ها معمولاً پس حادثه بوده و تدابیر پیشگیرانه جای اندکی را در این رویکرد به خود اختصاص می‌دهند. ضمن اینکه اجرای آن هم معمولاً با دشواری‌هایی همراه است. از زمان طرح این مسئله به مثابه یک امر معطوف به دولت و حاکمیت، حفاظت از محیط زیست به نوبه خود پیچیدگی‌های ساختاری و سازمانی بسیاری را نیز به دنبال داشت؛ بنابراین جای تعجب نیست که اگر ما لیست بلند و بالایی از سازمان‌های حافظ محیط زیست در حقوق ایران ارائه دهیم. سازمان‌های متعدد و درهم تنیده‌ای که بعضاً با مشکلات مواجه بوده و سطح پاسخگویی و انتظارات از آن‌ها نیز به یک اندازه نیست.

هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی است. سؤال اصلی مقاله این است که آیا از قاعده لاضرر و لاضرار می‌توان برای حفاظت از محیط زیست و شهرسازی استاندارد و اصولی استفاده کرد؟ روش مورد استفاده در این مقاله

توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش برداری و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مقالات علمی و پژوهشی است.

رویکرد نظری

مدل مرحله‌ای چارلز جونز در سیاستگذاری با قرار دادن اعمال تصمیم‌گیران و مسئولان حکومتی در مرکز توجهات خود، نگاه متفاوتی به مسائل عمومی از جمله معضلات زیست محیطی دارد. کاربرد مدل مزبور که برای نخستین بار چارلز جونز، استاد آمریکایی علوم سیاسی، آن را ارائه کرد، بعدها از سوی دیگر کارشناسان سیاست‌گذاری عمومی توسعه پیدا کرد (وحید، ۱۳۸۰: ۲۱۸). در مدل جونز، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران در بخشهای اصلی حکومت، به پنج مرحله به هم وابسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:



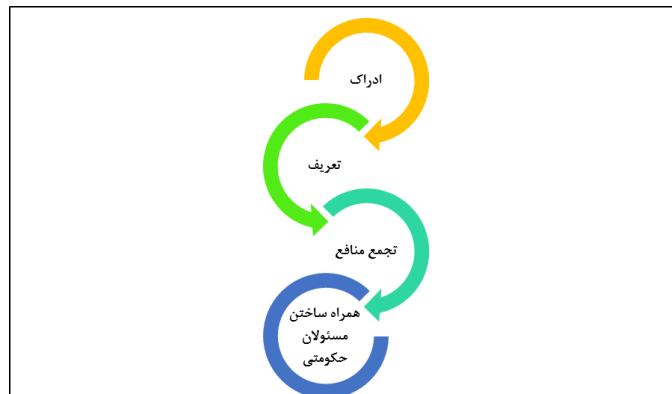
نمودار شماره ۱- پنج مرحله سیاست‌گذاری از نظر جونز

Source: (Ashtarian, 2007)

چارلز جونز براین باور بود که در صورت شناخت چگونه بودن عملکرد دولت است که می‌توان درباره چگونه باید بودن آن به ارائه نظر پرداخت. مدل جونز فرایند سیاستگذاری را شامل مراحل ذیل می‌داند:

ایجاد دستور کار و تعریف مشکل، پیشنهاد راه حل‌ها و سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. بر این مبنا مدل جونز به تحلیل تنظیم دستور کار سیاستگذاری، تحلیل تصمیم، تحلیل اجرا و تحلیل ارزیابی یک سیاست متمرکز می‌باشد. تنظیم دستور کار عبارت است از فرایندی که به وسیله آن موضوعات وارد دستور کار سازمانی می‌شوند این مسئله از نظر بسیاری مرحله‌ای کاملاً حیاتی در نظر گرفته می‌شود (Kamali, 2016: 141). اگر یک مسئله وارد دستور کار سازمانی نشود هیچ عملی در رابطه با انجام آن نخواهد شد. حتی برخی از دانشمندان تحلیل سیاست‌ها معتقدند نخبگان حاکم به وسیله دور نگه داشتن موضوعاتی که قدرت آنها را به چالش می‌کشد از دستور کار قدرت خود را حفظ می‌کنند. به محض اینکه یک موضوع وارد دستور کار شد تعریف آن حیاتی است. مشکل عمومی عبارت است از یک نیاز انسانی، محدودیت یا نارضایتی که به وسیله فرد یا دیگران شناسایی شده و برای حل آن تلاش می‌شود. در اهمیت تحلیل تنظیم دستور کار همین بس که چگونگی تعریف یک مشکل تعیین می‌کند که چه نوع راه حلی باید برای آن مطرح شود. برای مثال اگر سقط جنین ابتدا به ساکن به عنوان یک مشکل اخلاقی تعریف شود، به احتمال قوی سیاست‌ها و برنامه‌ها برای منع زنان از سقط جنین به وسیله جرم نشان دادن آن تلاش خواهد کرد (Malek Mohammadi and Kamali, 2014: 186). از سوی دیگر اگر به مثابه حقی قانونی و شخصی تعریف

گردد در نتیجه احتمال دارد تحت شرایطی مجاز دانسته شود. همانگونه که ویلداوسکی می‌نویسد: مشکلات ساخته‌های انسانی هستند و در ارتباط با آنها ادراکات متفاوتی وجود دارد و تنها به یک گونه مورد برداشت واقع نمی‌شوند. یک مشکل عمومی بایستی طی این فرایند وارد دستور کار عمومی می‌شود:



نمودار شماره ۲- پروسه‌ی مقدماتی سیاستگذاری عمومی

Source: (<http://policymaking.com>)

ایجاد ارتباط میان گروه‌ها و تصمیم‌گیران حکومتی که آن‌ها را به نمایندگی بر می‌گزینند. ارائه راه حل‌ها و انتخاب یک راه حل؛ پس از شناخت مشکل کارگزاران حکومتی پیرامون آن به بررسی پرداخته و سعی در ارائه پیشنهادهایی برای حل مشکل می‌کنند، آن‌ها در این ارتباط به رایزنی با بازیگران اجتماعی می‌پردازند و به دنبال جلب حمایت است. پس از ارائه راه حلها، فرایند مشروعیت دادن به یک راه حل آغاز می‌گردد. این مرحله بسیار مهم و حیاتی است زیرا با تصمیم‌گیری همراه است. تصمیم‌گیری عبارت است از طراحی سیاست خاص که سیاستگذاران می‌خواهند از طریق آن یک مشکل را حل نمایند. کنش متقابل کمیته‌های قانونگذاری و اجرایی با گروه‌های فشار در این مرحله روی می‌دهد و اینجاست که توافق در مورد چگونگی برخورد با مشکل حاصل می‌شود. تحلیل اجرا معطوف به فرایندهای چند جانبه و چند بعدی است که از طریق آن‌ها نهادهای حکومتی سیاست‌ها را به شکل برنامه‌های عملی بر می‌گردانند. از آن جا که بوروکرات‌ها اختیارات زیادی در این مرحله دارند، بسیاری از دانشمندان استدلال کرده‌اند که اکثر سیاست‌ها در این مرحله است که واقعاً ایجاد می‌شوند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اکثر سیاست‌های اولیه به وسیله دموکرات‌ها و مدیران سطح پایین که با مسئولین در تعامل هستند صورت می‌بندد (Vahid, 2000: 218).

ارزیابی در بر دارنده تلاشهایی است به منظور محاسبه و بررسی اینکه آیا اجرای سیاستها در دستیابی به اهداف سیاستگذاران موفق بوده است یا نه؟ به عبارت دیگر محاسبه نسبت هزینه- فایده دستیابی به اهداف اساسی ترین هدف مرحله ارزیابی است. تحلیل ارزیابی عبارت است از شناخت روش‌ها و تکنیک‌های ارزیابی سیاست عمومی و ایجاد دانش مرتبط با ارزیابی در فرآیند سیاستگذاری. برای مثال تحلیل ارزیابی نشان می‌دهد انجام آن در برخی حوزه‌ها به وسیله ساختاری معین (قانون و مقررات و نهادهای دولتی) مشخص شده است. یا اینکه چه نهادهایی مسئول ارزیابی هستند و آیا ارزیابی از مدل صدر و ذیلی پیروی می‌کند یا نمایندگان مردم می‌توانند به ارزیابی سیاست دولت بپردازند و نیز روشن می‌کند جایگاه گروه‌های جامعه در ارزیابی سیاست عمومی کجاست؟ مثلاً در

امریکا کنگره مسئول ارزیابی است و در فرانسه کمیته‌های میان وزارتی به ریاست نخست وزیر مسئول ارزیابی می‌باشند (Ashtarian, 2006).

امروزه عرصه گسترده‌ای از تکنیک‌های تحلیل توسط تحلیلگران سیاست‌ها به منظور تلاش برای توضیح اهداف و هزینه‌های سیاست‌ها عمومی وجود آمده است. در تحلیل پایان یا تغییر سیاست‌ها دانشمندان سیاستگذاری معتقدند ممکن است سیاست‌ها و برنامه‌ها به دلایل زیادی خاتمه پیدا کنند. بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ها صرفاً به دلایل سیاسی پایان می‌یابند و نه عدم کارایی و یا موفقیت و رسیدن به هدف. در دنیای واقع تقریباً تعداد کمی از برنامه‌ها و سیاست‌ها هستند که به پایان می‌رسند. مدل مرحله‌ای سیاستگذاری بر این مبنا استوار است که فرایندی منظم و پشت سرهم از سیاستگذاری ترسیم می‌کند در حالی که در حقیقت سیاستگذاری یک فرایند پیچیده و تعاملی است؛ اما این مدل به عنوان ابزاری است که روشن کننده نقاط تاریک فرایند سیاستگذاری است نه توضیحی همه جانبه برای فرایند واقعی همه سیاستگذاری‌ها؛ مانند بسیاری از مدل‌ها، این مدل هم به فاکتورهای مهمی در سیاستگذاری اشاره می‌کند اما برای توضیح جزئیات واقعی تصمیم‌گیری‌ها در شرایط خاص تلاش نمی‌کند. انتقاد دیگر این است که به میزان تاکید بر فرایند سیاست‌سازی به فرایندهای اجرا و تحلیل نمی‌پردازد (Vahid, 2000: 218). با این حال مدل جونز دارای دو ویژگی مثبت است اول اینکه الهام بخش طرح‌های تحلیلی و سنتزی در ارتباط با فرایند سیاست‌گذاری است و دوم اینکه زمینه‌ساز مطالعات عینی تر و تجربی تر پیرامون عملکرد مسئولان حکومتی است. این ویژگی باعث ترکیب عمل و تئوری و توسعه تحلیل سیاست‌ها می‌شود.

قانون مجازات اسلامی و مسائل زیست محیطی

در قانون مجازات اسلامی مواد مختلفی مربوط به متخلفان و تخریب‌کنندگان محیط است. از آن جمله مواد ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸ و تبصره‌های آن و ماده ۶۸۹ است. این مواد از جهت آنکه از مواد قانون مجازات است، متن آن مواد ذکر می‌شود. ماده ۶۷۹ می‌گوید: هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. عدم تعادل و تناسب بین میزان زندان پیش بینی شده در این ماده با جریمه نقدی کاملاً روشن است. ماده ۶۸۰ قانون مزبور گفته است: هرکس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید، به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد (Bahrami Ahmadi, 2008: 114).

در این ماده نیز همان اشکال مطرح شده در ماده قبل وجود دارد؛ ماده ۶۸۶ می‌گوید:

هرکس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورده، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد و شاید مهم‌ترین و صریح‌ترین این مواد، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی است که می‌گوید:

هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص، مشمول مجازات شدیدترین نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد (Mir Hosseini and Khamsipour, 2013: 92).

تبصره ۱:

تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین، اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲:

منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه مضر باشد، تغییر دهد (Mir Hosseini and Khamsipour, 2013: 92).

با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط هستند در این راستا و قوانین ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارد که قانون‌گذار با توجه به اهمیت موضوع، مواردی از قانون مجازات اسلامی مانند: ۶۸۹، ۶۸۸، ۶۸۶، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۵ را به این مهم اختصاص داده است. نتایج بررسی‌های چند ساله اخیر حاکی از آن است که اغلب دعاوی مطرح شده از طرف ادارات کل حفاظت محیط زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی آلاینده به چرخه محیط زیست وارد می‌سازند به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است (Gholizadeh, 2001: 245).

ابعاد موضوعی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر قابل بررسی است:

۱- عنصر مادی این جرم: اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که به روش ذکر شده در متن این ماده و راه‌های مشابه محقق می‌شود. راه‌های مذکور در ذیل مفاد تبصره یک جنبه تمثیلی دارد، بنابراین، هرگونه اقدام دیگری به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست، بهداشت عمومی را تهدید یا محیط زیست را آلوده کند، مشمول این ماده خواهد بود. در تبصره دوم این ماده، اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست به صورت کلی تبیین و آن را در حیطه چهار عنصر آب و هوا، خاک و زمین محاط کرده است (Gholizadeh, ibid: 246).

۲- در نگاه اول به مفاد تبصره یک ماده ۶۸۸ ممکن است این نتیجه حاصل شود که اعلام مجرم موضوع این ماده فقط در صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست است؛ اما با توجه به اینکه جرم مزبور بر ساس مفاد ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از آن دسته جرائم غیر قابل گذشت است و حتی در اغلب موارد اشخاص دیگری اعم حقیقی و یا حقوقی از این جرم متضرر می‌شوند، بنابراین، اعلام جرم و تعقیب آن

از سوی سایر اشخاص نیز ممکن است. همچنین مراجع نامبرده به عنوان شاکی خصوصی که حق گذشت داشته باشند، محسوب می‌شود (Gholizadeh, ibid: 249).

۳- تشخیص اینکه اقدام انجام شده و تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست است یا خیر بر اساس مفاد مندرج در ذیل این ماده از وظایف قانونی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست بوده، اما عمل انجام شده زمانی قابل تعقیب است که قبلاً از سوی مراجع نامبرده تعیین و اعلام شود و کارشناسان ذیصلاح وزارت و سازمان مذکور فقط عمل ارتكابی را با مقررات اعلام شده تطبیق بدهند؛ اما اگر عملی به عنوان اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست تعیین نشده باشد و کسی مرتکب آن شود و سپس کارشناسان مزبور در پاسخ استعلام مرجع قضایی آن را اقدام علیه بهداشت یا محیط زیست اعلام کند با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مغایرت پیدا می‌کند.

۴- احتمال ارتكاب جرائم مصرح در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی و خصوصی وجود دارد. به طور مثال، اگر شهرداری به عنوان متولی جمع‌آوری و تخلیه زباله‌های شهری هرگونه اهمال یا سهل‌انگاری در موضوع کند که منجر به آن شود که زباله‌ها جمع‌آوری نشود، مشمول حکم این ماده خواهد بود.

بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

بر اساس مواد ۱۴، ۱۵ و ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ مجلس شورای اسلامی، فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت نکنند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است. سازمان حفاظت محیط زیست، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که آلودگی آن‌ها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص کرده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام کنند (Alsan, 2006: 184).

درباره تعریف آلودگی محیط زیست در قانون، می‌توان گفت در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون‌گذار به یک تعریف واحد در خصوص آلودگی محیط زیست و منابع آبی و خاکی اشاره کرده است. همچنین در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است که منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را، به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد (Alsan, 2006: 186).

هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده‌ی غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌ی خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبین چنان چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱: تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی، همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود. تبصره ۲: منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد (Alsan, 2006: 184).

تخریب محیط زیست در قانون به معنای این است که محیط زیست از بین برود و بخشی که از بین رفت دیگر قابل بازگشت نیست. به طور مثال وقتی بخشی از درختان جنگل و مکان‌های مشابه را قطع کنیم، این بخش از بین می‌رود و دیگر قابل برگشت نیست که این موضوع در قانون به عنوان تخریب محیط زیست مطرح می‌شود. باید خاطر نشان کرد کارگاه‌هایی که آلودگی آن‌ها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد، در صورتی که با تعیین و اعلام میزان آلودگی و مهلت رفع آن یا با ممانعت از کار و فعالیت آن، اقدامی بهتر انجام ندهند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذی‌ربط، بلافاصله توسط مأموران انتظامی از کار و فعالیت آن واحد جلوگیری می‌شود.

اگر تخریب محیط زیست عمدی باشد مطابق عمل مجرمانه با آن برخورد می‌شود. این در حالی است که اگر غیرعمدی باشد بر اساس قانون مسئولیت مدنی با آن برخورد می‌شود و مسئولیت تأمین ضرر و زیان بر عهده شخص است؛ البته این موضوع که شخص، توان پرداخت زیان را داشته باشد نیز بررسی می‌شود. مطابق با قانون حفاظت بهسازی و محیط زیست، اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم کند، ممنوع است و اگر آلودگی محیط زیست به صورت عمدی رخ دهد، قانون‌گذار برای مجرم مجازات تا یک سال حبس را در نظر گرفته است که با توجه به نوع جرم، اعمال و اجرا خواهد شد.

درباره مراجع تشخیص آلودگی محیط زیست باید گفت که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی مسئول اعلام جرائم محیط زیستی به مرجع قضایی هستند. جرائم محیط زیستی از جمله جرائم عمدی محسوب می‌شود که اگر سوءنیت در آن وجود داشته باشد در قانون مشمول مجازات شدیدی است؛ البته مجازات در جرائم با وسعت بیشتر، بسیار شدیدتر می‌شود، به عنوان مثال اگر مواد شیمیایی در آب وارد شود، به طوری که مردم شهر یا روستایی از این آب استفاده کنند و موجب قتل یک نفر شود بر این اساس مجازات قصاص مطرح می‌شود. همچنین بر اساس قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با متخلفان و

مجرمانی که به محیط زیست در معنای کلی آن خسارت وارد کنند به طور جدی برخورد خواهد شد (Alsan, 2006: 184).

در ماده ۴۲ و ۴۳ قانون مذکور، بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده‌های جنگلی ممنوع است. مرتکب در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن هر اصله نهال به پرداخت جریمه نقدی و در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا شش ماه و پرداخت جریمه نقدی نسبت به هر اصله درخت یا هر متر مکعب هیزم یا زغال محکوم می‌شود. بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها، خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع است. متخلف به حبس تعزیری تا ده روز با پرداخت غرامت نقدی محکوم و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مهم‌ترین ماده‌ای که در ارتباط با آتش زدن عمدی جنگل‌ها می‌توان به آن استناد کرد ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع است که مجازات سنگینی را برای مرتکبین این جرم تعیین کرده است. به موجب این ماده قانونی، هرکس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد کند به حبس مجرد^۱ از سه تا ده سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب، مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود. ماده ۴۵ قانون مذکور نیز می‌گوید: آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی، حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد (Alsan, 2006: 184).

بر اساس ماده ۴۶، هر کس مبادرت به کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی نماید به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و برای هر درخت که کت یا پی‌زده و یا در آن آتش روشن کرده باشد به پرداخت جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

فقه و محیط زیست

مسائل مرتبط با محیط زیست را می‌توان در قرآن، گفتار و رفتار پیامبر خدا و ائمه (علیهم السلام)، اخلاق اسلامی، تمدن و فقه اسلامی پی گرفت. این مقاله در پی آن است که تأثیر شگرفی را که قواعد فقهی می‌تواند بر وضع قوانین و استنباط احکام شرعی در حوزه محیط زیست داشته باشد تحقیق و تبیین کند. قواعد فقهی عبارتند از احکام فقهی کلی که می‌تواند مبنای دستیابی به احکام متعدد و متنوع فقهی در همه ابواب فقه شود. گروهی از این قواعد در سرتاسر ابواب فقه کار آمدند و گروهی از آنها تنها در مقداری از ابواب فقهی یا در گستره‌ی یکی از آنها در استنباط احکام شرعی تأثیر گذارند. برخی از قواعد فقهی که در این مقاله بررسی خواهد شد، قاعده اصولی نیز محسوب می‌شود.

۱- قاعده اختلال نظام

این قاعده از جمله قواعدی است که در علم اصول فقه مورد استفاده قرار گرفته است و محققان بزرگ این دانش در

^۱ حبس موقت با اعمال شاقه از سه سال کم‌تر و از پانزده سال بیشتر نخواهد بود. مدت حبس مجرد از دو تا ده سال است. مدت تبعید از سه سال کم‌تر و از پانزده سال بیشتر نخواهد بود. مدت حبس تأدیبی از هشت روز الی سه سال است. (ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۷/۱۱/۱۳۰۴).

موارد متعددی، از جمله آن جا که احتیاط واجب نیست، از این قاعده بهره برده‌اند (Ansari 2006, 1: 196; Khorasani 1414: 358). بر پایه این قاعده، هیچ گونه حکم شرعی و نیز قاعده اصولی که اختلال نظام معیشتی و زندگی بشر را در پی داشته باشد در اسلام جعل نشده است. مقصود آنان از نظام زندگی، نظام معیشتی انسان است؛ آن چه نظام معیشتی زندگی بشر را سامان دهد به نوبه‌ی خود دارای نظام‌های کوچک‌تری است که در درون آن قرار دارد، مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و فرهنگی و مواردی از این قبیل. بی‌شک انسان در صورتی می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد که نظام طبیعت و چرخه‌ی طبیعی به درستی عمل کند و هرگاه بخشی از آن مختل شود و چرخه‌ی طبیعی و نظام زیستی حاکم بر طبیعت دچار مشکلاتی شود یا حرکت آن به کنده‌ی گراید، دیگر انسان نخواهد توانست نظام زندگی خود را حفظ کند و بی‌شک اختلال و چالش عظیمی بر نظام حیات او حکم فرما خواهد شد.

جهان از متقن‌ترین، زیباترین و استوارترین شکل ممکن برخوردار است، به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نیست و این همان نکته‌ای که در فلسفه مسلمانان آن را «نظام احسن» می‌نامند. معنای نظام احسن آن است که این جهان به لحاظ نقشه، مواد، زیبایی، استواری و شکل و ویژگی‌ها و تنوع‌ها و کمیت و کیفیت به گونه‌ای آفریده شده که نمی‌توان بهتر از آن را فرض کرد (Tabatabai, 1982: 308, 309). بدین سان نظام این جهان بهترین نظامی است که ممکن بود خلقت از آن برخوردار باشد. از سازنده و مهندس و معمار این جهان که از علم و قدرت بی‌کران و نامتناهی برخوردار است و اعمال او به طور کامل حکیمانه است، جز این انتظاری نمی‌رود. قرآن به گونه‌ای ظریف به این مطلب چنین اشاره می‌کند: اگر از آن‌ها پرسید چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است هر آینه گویند آن‌ها را آن بی‌همتای توانای دانا آفریده است.

خداوندی که زمین را همانند گهواره‌ای (که با آرامش بتوانید در آن زندگی کنید) آفریده و در آن راه‌ها قرار داد، باشد که هدایت شوید». این آیات به این واقعیت اشاره می‌کند که آفریننده‌ی زمین و آسمان دارای قدرتی بی‌همتا است و علم و دانش او خدایی است. نخست این نکته را درباره همه آسمان‌ها و زمین می‌گوید اما بعد به انسان هشدار می‌دهد که خداوند زمین را برای شما طوری خلق کرد که مانند گهواره‌ای که به دست پرمهر مادر به حرکت در می‌آید و کودک در آن احساس آرامش کرده و به خواب راحت فرو می‌رود، خداوند نیز این زمین چرخان و در حال حرکت را چنان آفریده و ویژگی‌هایی بدان بخشیده است که انسان با کمال آرامش و امیدواری به آینده خود و بی‌هیچ دغدغه‌ای می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد و راه هدایت خود را به سوی کمال و بالندگی از آن برگیرد. در آیه‌ی دیگری خداوند ضمن اشاره به کوه‌ها می‌فرماید: ساخته خدا است که هر چیزی را استوار و متقن ساخته است. در آیه‌ای دیگر خداوند تبارک و تعالی، افزون بر اشاره به اتقان و استواری خلقت، به دلیل آن هم اشاره کرده است: این است (خدایی که) از آشکار و نهان آگاه و توانای بی‌همتا و مهربان است؛ خدایی که هر چیزی را به بهترین وجه آفریده است. در این آیه خداوند دارای قدرت و علمی بی‌همتا و مهربان معرفی شده است و این خداوند مهربان، آگاه از آشکار و نهان و قادر بی‌همتا است که می‌تواند اشیا را به بهترین صورت خلق کند. مناسب است در این جا سخن کوتاه یکی از فیلسوفان معاصر مسلمان را گزارش کنیم. وی پس از بررسی نکته یاد شده،

نوشته است: نظام خلقت بهترین و استوارترین نظام است؛ زیرا در واقع جلوه‌ای و مرحله‌ی کم‌رنگی از علم خداوند است که هیچ‌گونه سستی و کاستی در آن راه ندارد (Tabataba'i, 1982: 309).

اگر اعمال آدمی، چه فردی و چه جمعی، به محیط زیست زیان رساند و آن را ویران سازد، بی‌شک این نظام احسن بی‌نظیر مختل شده است و این یک عمل شیطانی است. شیطان سوگند یاد می‌کند انسان را گمراه سازد و او را وادار کند تا طبیعت و خلقت الهی را تغییر دهد: تغییر خلقت الهی و فطرت انسان از اهداف شیطان و اعمال دایمی اوست؛ لعنت خدا بر او باد. می‌توان نام این قاعده را قاعده‌ی وجوب حفظ تعادل در طبیعت نامید و دلایل آن را عقل و نقل، اعم از قرآن و سنت دانست و می‌توان آن را همان‌طور که ما آوردیم بخشی از قاعده اختلال نظام دانست. در هر دو صورت چون مسأله‌ای جدید است، فقها بدان نپرداخته‌اند. تفاوت این دو در آن است که در قاعده‌ی لزوم حفظ تعادل در طبیعت، تخریب طبیعت و تغییر آن - آنگونه که الان در بیوتکنولوژی انجام می‌گیرد - و هرچند به مرحله‌ی اختلال و تخریب عظیم نرسد، حرام است؛ اما در صورت اول، حرمت تنها در فرضی است که تخریب طبیعت به مرحله‌ی اختلال نظام برسد که یکی از مصادیق آن در زمان ما وقتی است که هوای شهر به قدری آلوده می‌شود که از حد مجاز خارج می‌شود یا در بعضی مناطق آب‌ها چنان آلوده می‌شود که حیات مردم به خطر می‌افتد. از آنجا که درباره‌ی قاعده‌ی اختلال نظام، فقها در فقه و اصول به تفصیل مطالبی آورده‌اند و درباره محیط زیست نیز نیازمند یک تطبیق هستیم، در مورد قاعده‌ی حفظ تعادل نظام طبیعت باید قاعده‌ای بسازیم که صد البته اگر ادله‌ی شرعی فراهم باشد، به لحاظ فقهی نه تنها اشکالی ندارد بلکه بسیار پسندیده است.

۲- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف مال دیگران از مهم‌ترین قواعدی است که فقهای اسلام در باب ضمان از آن بهره می‌برند. برخی از فقهای بزرگ برای اثبات این قاعده به یکی از آیات قرآن استناد کرده‌اند. دو تن از فقهای بزرگ، یعنی ابن‌ادریس و محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، به آیه‌ی «فمن اعتدى علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیکم» (Bagherah 194 /)، استدلال کرده‌اند (Tossi, C 3: 6). گروهی از آنان به دسته‌ای از روایات استناد جسته‌اند (Hurr Ameli, 2012, Vol. 19: 181). این‌گونه روایات فراوان است؛ به عنوان و نمونه از امام صادق (علیه السلام) از حکم چیزی که در مسیر عبور و مرور مسلمانان قرار داده شده و سبب فرار چهار پایان شده و در نتیجه صاحب چهارپا به زمین خورده و صدمه دیده است سؤال کردند، حضرت فرمود: «هر چیزی که به راه مسلمانان (و در نتیجه عابران) زیان برساند، ضمان آور است». بر طبق این روایت هر کس به راه مسلمانان که در زمره امکانات عمومی قرار دارد زیانی برساند و به گونه‌ای در آن مشکلی ایجاد کند و این زیان و مشکل سبب شود به عابران لطمه‌ای وارد شود، به لحاظ حقوقی زیان‌زننده ضامن است و باید همه خسارت وارد شده بر عابر را بپردازد. از مجموع این روایات فقها قاعده‌ای برداشت کرده‌اند و از آن این‌گونه تعبیر کرده‌اند: «کسی که مال دیگران را تلف کند ضامن خواهد و باید خسارت وارد شده به آن‌ها را بپردازد» این تعبیر در هیچ روایتی وارد نشده است، اما از مضمون روایات متعدد می‌توان آن را برداشت کرد. در کتاب «القواعد الفقیه» به ده گروه از این روایات در این باره استدلال شده است (Nasser Makarem Shirazi, 1411, p. 2: 190, 202). برخی دیگر از فقیهان مسلمان دلیل این قاعده را حکم عقلا دانسته‌اند. آنان معتقدند حکم عقلا و روش آنان این است که هرگاه کسی مال دیگران را تلف کند، ضامن آن خواهد بود و اسلام در

واقع همان روش عقلا را امضا کرده و خود حکم جدیدی در این باره ابداع نکرده است. امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) که در زمره ی این گروه است بر این عقیده است که در زندگی خردمندان این نکته مسلم است که هرکس هر ضرر و زبانی به دیگران وارد کند، به گونه‌ای که مال او را تلف کند، ضامن پرداخت خسارت خواهد بود (Al-Musawi al-Khamini, 2017, p. 1: 465). برخی دیگر از فقها مستند این قاعده را از سوی اجماع و اتفاق نظر فقیهان و از سوی دیگر بدیهی بودن آن دانسته‌اند و بر این باورند که همه فرقه‌های اسلامی درباره این قاعده اتفاق نظر دارند و می‌توان گفت قاعده ی مذکور از مسائل ضروری و بسیار روشن اسلام است (Al-Mousawi al-Khamini, 2017, p. 1: 465; Bojnouri, 1413, p. 2: 17; Hosseini Maraghi, 1418, p. 2: 347). بی‌گمان این قاعده صحیح است و در فقه اسلامی شهرت به سزایی دارد. با این قاعده می‌توان بسیاری از قوانین مربوط به منابع طبیعی را به گونه‌ای بسیار مؤثر و کارآمد اصلاح کرد.

۴- مصلحت و احکام حکومتی

بسیاری از مسائلی که مربوط به حفاظت از محیط زیست و بالندگی آن است در فقه اسلامی به گونه‌ای به اموال عمومی یا به سیاست‌های کلان هر کشور و جامعه که در قلمرو تصمیم‌ها و تدبیرهای رهبری جامعه است، باز می‌گردد. رهبری جامعه بر پایه فقه اسلامی در این گونه موارد باید بر طبق مصلحت عمل کند؛ بدین سان که ضمن مشورت با کارشناسان و متخصصان، مصلحت مردم و نسل آینده را در نظر گیرد و بر پایه آن تصمیم بگیرد و هرگونه تجاوز از این قلمرو بر او جایز نیست (Hosseini, 2000). مقصود از مصلحت، منافع و سودهایی است که به عموم مردم باز می‌گردد (Hosseini, 2000). گرچه با منافع شخصی برخی در تضاد باشد؛ و مقصود از احکام حکومتی یا سلطانی، قوانین، فرمان‌ها و دستورالعمل‌هایی است که از سوی دستگاه رهبری حکومت اسلامی صادر می‌گردد (Hosseini, 2000). این مسأله در فقه اسلامی ریشه‌دار است و بر طبق آن رهبری جامعه باید منافع مادی و معنوی جامعه را با دقت تمام در نظر گیرد و با ملاحظه آن درباره اداره کشور و جامعه تصمیم بگیرد. بی‌شک حفاظت از طبیعت و محیط زیست و نیز جامع‌نگری و آینده‌بینی در این باره در ردیف مهم‌ترین مصلحت‌هایی است که نه تنها می‌باید همواره نصب العین رهبران جامعه اسلامی باشد، بلکه اهمیت آن به‌اندازه‌ای است که بسیاری از مصالح دیگر را می‌توان فدای آن‌ها کرد.

۴- قاعده عدالت

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران را استوارسازی عدالت در پهنه جامعه می‌داند: «ما فرستادگانمان را به دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازوی (شناخت حق از باطل) فرود آوردیم تا مردمان خود عدالت را برپا کنند». ای پیامبر بگو خداوند مرا به اجرای عدالت فرمان داده است. «به من فرمان داده‌اند تا میان شما عدالت برقرار کنم» مؤمنان عدالت را بسیار بپادارید؛ و مباد دشمنی با گروهی سبب شود عدالت را اجرا نکنید؛ با عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک تر است. آیات متعددی از قرآن و نیز روایات مختلف مردم را با تأکید بسیار به اجرای عدالت فرمان می‌دهد. بررسی این روایات گسترده نشان می‌دهد که در اسلام عدالت از مهم‌ترین ضوابط و محورهای تصمیم‌گیری است که باید به عنوان مبنا و معیار احکام فقهی و قوانین موضوعه باشد. درباره معنی عدالت از روزگاران کهن اختلاف نظر است و افلاطون و ارسطو و فیلسوفان دیگر از آن تعریف‌هایی ارائه داده‌اند. در

روزگار ما نیز متفکران در تعریف و چگونگی اجرای آن، دیدگاه‌های گوناگونی دارند. دانشمندان مسلمان هم از این حالت استثنا نیستند؛ آن‌ها نظر یکسانی درباره عدالت ندارند اما بی شک آنان عدالت را در برابر ظلم بکار می‌برند، بدین معنی که هر چیزی که ظلم محسوب شود عدالت نیست.

در قرآن، به همان سان که بر استوارسازی و اجرای عدالت تأکید شده است، از هرگونه ظلم و ستمگری نیز نهی شده است و در صدها آیه از قرآن مردم و مؤمنان به شدت از ظلم نهی شده‌اند. بی شک ویران‌گری طبیعت از روشن‌ترین مصداق‌های ستمگری و دژخیمی است. چه ظلمی بالاتر از آن که آب و هوایی که حیات مردم در گرو وجود و پاکیزگی آن است، آلوده شود، جنگل‌هایی که به منزله شش‌های کره زمین هستند به گونه‌ای باور نکردنی و سرسام‌آور نابود شوند و آب که منبع زندگی است بدین سان در معرض آلودگی قرار گیرد. یکی از معانی عدالت آن است که حق هرکس به او داده شود. حق حیات و زندگی و استفاده از هوا و آب سالم از اولین و ضروری‌ترین حقوق هر انسان است و باید رهبری جامعه اسلامی و نیز همه مردم در جهت فراهم آوردن زمینه آن بکوشند و هرگونه مانعی را در این باره از بین ببرند؛ به عبارت دیگر ایجاب می‌کند از هرگونه تجاوز به حریم طبیعت و محیط زیست جلوگیری شود.

۵- قاعده حق الناس

در فرهنگ سنتی اسلامی دو گونه حق شهرت دارد: حق الله و حق الناس. مقصود از حق الله انجام واجب‌ها و ترک گناهانی است که در یک محور اصلی یعنی ارتباط با خدا مشترکند. به عنوان نمونه نماز و روزه از واجبات بزرگ و از حق الله محسوب می‌شوند و هرگاه آدمی این وظایف را به گونه شایسته و درخور انجام ندهد سزاوار کیفر الهی است، چون مرتکب گناه شده است. در مقابل این حق، حق الناس است. گستره این حقوق مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. در اسلام حق الناس مهم‌تر از حق الله است. در روایتی از امام علی (علیه السلام) در این باره چنین می‌خوانیم: «خداوند متعال حقوق بندگانش را بر حقوق خود مقدم ساخت پس هرکس حقوق مردم را ادا کند زمینه ادا کردن حقوق خدا نیز در او فراهم می‌آید». نیز در روایتی چنین آمده است: «با فضیلت‌ترین راه عبادت خداوند اداء حق مؤمن است». روایاتی از این دست بسیار است. در مقابل، برخی روایات از کیفر دردناک تزییع حقوق مردم سخن می‌گویند. در حدیث دیگری آمده است: «آن ظلمی که بازخواست می‌شود ظلم بنده به بنده دیگری است که قصاص و تلافی آن در آخرت دشوار است و قصاص در آن جا با زخم کاردها و زدن تازیانه نیست و به گونه‌ای است که زخم کاردها و درد شلاق‌ها در برابر آن کوچک و حقیر است». عقل انسان حکم می‌کند که برای انجام این فریضه الهی در آغاز، حقوق مردم را بشناسد چه این که بدون شناخت حق الناس ممکن است از سر جهل آن حقوق پای مال شود. در این باره روایاتی نیز بر شناخت حقوق مردم تأکید می‌ورزد؛ به عنوان نمونه در روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام) چنین نقل شده است: «والاثرین مقام را نزد خداوند کسانی دارند که حقوق برادران خود را (مردم را) بهتر بشناسد و بهتر ادا کنند». بنابراین بر طبق این روایت و روایاتی از این دست باید حقوق مردم را شناخت و در پی انجام وظیفه در این باره بود. بی شک از روشن‌ترین انواع حقوق مردم، مسائلی از قبیل آب و هوای سالم و محیط زندگی آن‌ها است؛ از این رو آلوده کردن هوا، آب و دیگر عناصر محیط زیست انسان انواع بارزی از تزییع و زیرپا گذاشتن حقوق مردم است و گناهی است که انسان نباید خود را

بدان بیالاید. به عبارت دیگر این سخن پیامبر و امام علی (علیهما السلام) که «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آزار نینند» در آزارهای فردی و کوچک خلاصه نمی‌شود، بلکه زبان‌های بزرگ و فراگیر را بیش تر شامل می‌شود و تخریب محیط زیست و طبیعت از روشن‌ترین نمونه‌های آن به شمار می‌آید.

کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست

قاعده «لاضرر» در دین اسلام قلمرو بسیار وسیعی دارد و تمامی زوایای زندگی بشر را در بر می‌گیرد. از جمله موارد ضرر، تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به زندگی فردی و اجتماعی انسان است. درباره «قاعده لاضرر» دانشمندان و صاحب نظران نامداری چون: مرحوم شیخ انصاری، آخوند خراسانی، آقا ضیاء عراقی و دیگران به تفصیل بحث کرده و رساله‌های مستقلی در تبیین و توضیح این قاعده تدوین نموده‌اند. قاعده لاضرر در قالب حدیث در حدّ تواتر به اثبات رسیده و اهل سنت نیز به این قاعده اهتمام ورزیده و از طریق آنها نیز وارد شده است. از باب نمونه به احادیثی اشاره می‌شود که نشان‌دهنده این است که شعاع قاعده لاضرر سراسر زندگی انسان را در بر می‌گیرد. نحوه استدلال در احادیث زیر نشان می‌دهد که اسلام ضرر و زیان و آسیب رساندن به دیگران را نمی‌پذیرد و بدون تردید یکی از موارد ضرر و زیان، تخریب محیط زیست انسان و دیگر موجودات زنده است.

۱- از امام صادق - علیه السلام - روایت شده که پیامبر خدا در مورد شفعه در میان شرکای زمین و مسکن داوری نمود و فرمود: ضرر و آسیب رساندن به دیگری در اسلام وجود ندارد.

حدیث شریف لاضرر عمومیت دارد؛ چنان که نحوه استدلال به آن در موارد اختلاف نشان‌دهنده این مطلب است. جای تردید نیست که تخریب محیط زیست و آلوده کردن محیط زندگی و بی توجهی به آثار و زیانهای ناشی از نابودی بی رویه این تخریب و آلودگی از مصداق ضرر و زیان به آدمیان است.

۲- زراره از ابا جعفر - علیه السلام - روایت کرده که سمره بن جندب درختی در کنار دیوار مردی از انصار داشت و منزل مرد انصاری نزدیک دروازه باغ بود. سمره هر زمان که می‌خواست به درخت خرمایش سر بزند بدون اجازه وارد منزل مرد انصاری می‌شد. مرد انصاری به سمره گفت: هر زمان که خواستی وارد شوی، نخست اجازه بگیر، ولی او قبول نکرد. مرد انصاری به رسول خدا شکایت برد. رسول خدا آن مرد را طلبید و به وی فرمود: هر وقت خواستی داخل خانه بشوی اجازه بگیر. اما مرد قبول نکرد. به او مبلغ زیادی پیشنهاد کرد که درختش را بدان مبلغ بفروشد. نپذیرفت، رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به مرد انصاری فرمود: درخت او را قطع کن و در نزدش بینداز، چون ضرر و آسیب رساندن در دین وجود ندارد.

۳- از امام صادق - علیه السلام - روایت شده که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در میان اهل مدینه در مورد مشارب نخل دستور صادر کرد که از نفع رساندن چیزی به یکدیگر امتناع نورزند و به بادیه نشینان دستور داد که از استفاده از آب ممانعت به عمل نیاورند تا دیگران نیز از آنها و چراگاه‌ها بهره ببرند؛ زیرا که ضرر و زیانی وجود ندارد.

۴- زراره از امام باقر - علیه السلام - در حدیثی روایت کرده که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: ضرر و ضرر وارد کردن وجود ندارد.

۵- از رسول خدا روایت شده که آن حضرت فرمود: ضرر و ضرر زدن به مؤمن وجود ندارد.

۶- در کتاب عوالی این حدیث شریف آمده است «لاضرر و لا ضرار فی الإسلام»؛ در اسلام ضرر [به خود] و اضرار [به دیگران] وجود ندارد.

۷- در نهج الحق نیز حدیث شریف «لاضرر و لا ضرار فی الإسلام» از رسول خدا نقل شده است.

۸- در وسائل الشیعه آمده است: لاضرر و لا ضرار فی الاسلام، فالاسلام یزید المسلم خیرا و لا یزیده شرًا؛ «در اسلام ضرر و ضرار نیست، اسلام به مسلمانان خیر را افزونی می‌بخشد، نه شر را.

حدیث شریف لاضرر عمومیت دارد؛ چنان که نحوه استدلال به آن در موارد اختلاف نشان‌دهنده این مطلب است. جای تردید نیست که تخریب محیط زیست و آلوده کردن محیط زندگی و بی توجهی به آثار و زیانهای ناشی از نابودی بی رویه این تخریب و آلودگی از مصادیق ضرر و زیان به آدمیان است.

در باره مفهوم و معنای لاضرر و اضرار تفسیرهای متفاوت و احتمالات مختلفی ارائه شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- به نوشته مرحوم شیخ انصاری مراد از «لاضرر و لا ضرار» این است که در اسلام حکم ضرری وضع نشده است؛ یعنی شارع مقدس نه در احکام تکلیفیه و نه در احکام وضعیه، حکمی جعل نکرده است که به سبب آن مکلف ضرر ببیند؛ مثل وجوب وضو برای کسی که تهیه آب برای او ممکن نیست، مگر به پرداخت پول بسیار زیاد که موجب ضرر باشد، در این صورت شارع حکم به وجوب وضو نکرده است. یا آنکه در زمستان سرد با آب سرد غسل بکنند و به سبب آن ضرر ببینند و کسالت شدید پیدا کند، در این صورت شارع حکم به وجوب غسل نکرده است.

۲- مرحوم آخوند خراسانی نوشته است: در ظاهر، ضرر چیزی است که در برابر نفع قرار دارد، «بینایی» و «داشتن مال» برای انسان نفع است، «کوری» و «ناداری» ضرر است. ضرر نیز به معنای ضرر است؛ و نفی ضرر هم به نحو حقیقی است، به این معنا که در اسلام حقیقتا ضرری وجود ندارد و کسی نمی‌تواند به دیگری و یا به خودش ضرر بزند.

۳- مرحوم نایینی می‌فرماید: اصوب الوجوه این است که لاضرر، حکم ضرری را به طور حقیقت نفی می‌کند.

۴- آقا ضیاء در فوائدالاصول تصریح می‌کند که ادله «ضرر و عسر و حرج» تشریح احکام ضرریه و حرجیه را نفی می‌کند، نیز ایشان در قاعده لاضرر و لا ضرار، تصریح می‌کند که ضرر نقص در شی است.

۵- احتمال دیگری نیز وجود دارد که «لاضرر» حکم ضرری را نفی نمی‌کند، بلکه ضرری را نفی می‌کند که قابل تدارک نباشد، به این معنا که هر کجا در اسلام ضرری وجود داشته باشد، آن ضرر تدارک و جبران دارد و ضرری که قابل تدارک و جبران نباشد در اسلام وجود ندارد.

۶- بعضی احتمال داده‌اند «لاضرر و لا ضرار» دلالت بر این معنا دارد که در اسلام جایز نیست که کسی به دیگری ضرر بزند.

با توجه به اینکه انفال از اموال عمومی است و همه مردم در منافع آن شریک هستند، استفاده بهینه از اموال عمومی اقتضا دارد که زیر نظر حکومت اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا حقوق مردم تضییع نشود و عده‌ای خاص، این منابع را وسیله سودجوییهای بی رویه و استفاده‌های ستمگرانه خود قرار ندهند.

۷- معنای دیگری که برای ضرر ذکر شده این است که ضرر امر وجودی است که از پدید آمدن نقص در جان، مال و آبرو، پدید می‌آید.

حال «لاضرر و لااضرار» را به هر مفهومی که بگیریم، قدر متیقن این است که احکام اسلام نه برای مکلفان ضرری است، و نه در آنها ضرر زدن به غیر تجویز شده است. در مواردی که نتوانیم ضرر را تشخیص بدهیم مرجع در تعیین ضرر و ضرار عرف است. اگر عرف امری را ضرری ندانست، قاعده لاضرر آن را نمی‌گیرد و ارتکاب آن نیز حرام نمی‌باشد. البته این در جایی است که دلیلی از طرف شارع برای تفسیر و توسعه و تضییق ضرر نداشته باشیم. ولی اگر دلیل خاصی داشته باشیم که شارع امری را ضرری بداند، به عرف مراجعه نمی‌شود. باید دانست که ضرر همیشه امر ثابتی نیست؛ بلکه نسبت به اشخاص، اموال و مکانها و زمانها فرق می‌کند و باید این اعتبارات همیشه مورد نظر باشد. از باب مثال، ممکن است در هوای سرد استعمال آب سرد برای غسل و وضو نسبت به شخصی مضر باشد و همان آب با همان اوصاف، نسبت به شخص دیگر ضرر نداشته باشد. پس نمی‌توان حکم کرد که استعمال آب سرد برای همه مضر است.

با رجوع به مفهوم ضرر و ضرار بخوبی درمی‌یابیم که قاعده لاضرر در قلمرو محیط زیست نیز جاری است؛ به این معنا که انسانها نمی‌توانند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت، به دیگران ضرر و زیان وارد کنند و شارع مقدس چنین اجازه‌ای نداده است. اگر بهره‌برداری و سودجویی بی‌رویه از محیط زیست انسانها و جانداران، موجب اضرار به خود و یا دیگران باشد، از نظر اسلام مردود است، به سبب این که در اسلام، «ضرر و ضرار» وجود ندارد. مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد درباره استفاده از مکانهای عمومی مثل راهها، مساجد، مدارس و مشاهد نوشته است: فایده راهها تردد و استفاده بهینه بردن از آن است و در صورتی که توقف و نشستن در مسیر موجب ضرر و زیان به عابران گردد، حق استفاده از منافع راه از او ساقط می‌شود. نیز در باب تزاحم حقوق در استفاده از راههای عمومی می‌نویسد: همه مردم در منافع راهها شریک و مستحقند و کسی نمی‌تواند با بهره‌برداری بیش‌تر از منافع راهها موجب از بین بردن حقوق دیگری شود، یا با سوء استفاده، خرابی و نقص در آنها وارد سازد و یا منافع راهها را از بین ببرد، یا با بنا کردن دیوار و ساختن دکه و سایر تصرفات نابجا موجب وارد آوردن ضرر به عابران گردد.

همچنین اگر کسی به دلیل مشرف بودن بر همسایه اش، پنجره‌های (خانه و مغازه و...) را که به سمت خیابان باز می‌شوند باز کند، همسایه اش می‌تواند او را از باز کردن پنجره‌ها منع کند؛ چون او با این کارش به همسایه اش ضرر می‌زند. علامه در کتاب تذکره نیز گفته است: این مسأله اتفاقی و اجماعی است که برای احدی جایز نیست که در راه و جاده دکه بسازد و یا درختی بکارد و در صورتی که با این عملش موجب تنگی راه شود و به عابران آسیب و ضرر وارد کند، ضامن است؛ چون ضرر و ضرار وجود ندارد. در اسلام برخی از فقها مثل امام خمینی - قدس سره - به پرهیز از هر امری که موجب اذیت و آزار دیگران بشود دستور داده است - ولو موجب ضرر جانی یا مالی نباشد. بر هر کسی که به خدا و پیامبرش و روز رستاخیز ایمان دارد لازم است از هر چیزی که باعث اذیت همسایه بشود اجتناب نماید، هر چند که موجب فساد و ضرر نباشد. وی سپس اضافه می‌کند:

شکی نیست که سوراخهای دیوار که مشرف بر منزل همسایه باشد باعث اذیت و آزار او است و ایجاد هر چیزی که همسایه را اذیت بکند مثل بو، دخان و صداهای آزاردهنده و ایجاد مانع از رسیدن هوا و تابیدن آفتاب و مانند اینها.

از کلام امام به دست می‌آید که مسلمانان نه تنها از ضرر زدن بلکه از هر چیزی که موجب اذیت و آزار دیگران باشد می‌باید پرهیز نمایند و بدون تردید رعایت چنین حکمی موجب «حفظ محیط زیست» می‌گردد.

بدین سان ملاحظه می‌کنیم که قاعده لاضرر حمایت روشن و شفافی از محیط زیست دارد و به ما می‌آموزد که مناسب‌ترین بهره را از محیط زیست ببریم و اگر اعمال سوء ما به آن آسیب برساند و موجب تضییع حقوق دیگران یا باعث اذیت و آزار آنان گردد، چنین رفتاری نا صحیح، مذموم و خلاف قانون عرف و شرع است.

قاعده «لاضرر» در زمره آن دسته از قواعد فقهی است که مورد عنایت ویژه فقیهان بوده و تاکنون ده‌ها رساله و اثر درباره آن نگاشته شده است (Al-Musawi al-Khamini, 1414). یکی از فقیهان بزرگ درباره ی آن نوشته است: «این قاعده میان فقیهان و مجتهدان بزرگ معروف است و آثار مهمی در استنباط احکام فقهی دارد» (Hosseini Sistani, 1414: 9). سیوطی نیز درباره آن به نقل از برخی فقها می‌نویسد: «فقه اسلام پنج محور اصلی دارد و قاعده لاضرر یکی از آن‌ها است» (Suyuti, undated, Vol. 2: 122). روایاتی که در بردارنده این قاعده‌اند فراوان است؛ به‌اندازه‌ای که می‌توان به یقین دست یافت که پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) جمله ی مذکور را بیان فرموده‌اند. بر طبق این قاعده هرگونه حکم شرعی که زیان آفرین باشد تشریح نشده است. درباره معنای این قاعده اختلاف نظر است که ما همان معنای مشهور میان فقیهان را گزارش کردیم (Ansari, 2006, 2: 534). شارع مقدس در اسلام هیچ گونه قانونی را که منشأ وارد کردن ضرر به دیگران یا به خود باشد وضع نکرده است. به عنوان نمونه، انسان مالک اموال مشروع خود است و می‌تواند در آن‌ها به صورت دلخواه تصرف کند، لیکن اگر تصرف او به گونه‌ای باشد که برای شخصی زیان آور باشد، مضمول این قاعده می‌شود و بر طبق آن نمی‌تواند به این گونه تصرفی دست یازد. شأن نزول این قاعده به خوبی این نکته را روشن می‌سازد. بر طبق این احادیث متنوع و متعدد، رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) هر اقدام و عملی را که به مسلمانی ضرر وارد می‌کرد ممنوع می‌دانست و در حدیث معروف سمره، زیان به یک شخص سبب شد پیامبر به سمره اجازه ندهد در درخت خود تصرف کند. حال اگر برخی تصرف‌ها به گروه زیادی از مردم زیان رسان باشد، بی شک این قاعده تصرفات مذکور را مهار می‌کند؛ مثلاً قطع جنگل‌ها که سبب پدید آمدن سیل‌های ویران‌گر و زیان بار می‌شود و یا آلوده کردن خاک‌ها و در نتیجه فرسایش آن‌ها و یا احداث یک کارخانه بزرگ که دود و گازهای متصاعد از آن می‌تواند برای همه مردم شهر زیان آفرین باشد یا استفاده از وسایل نقلیه‌ای که هوا را آلوده می‌کند، یا رها کردن فاضلاب کارخانه به رودخانه‌ها و یا آلوده کردن دریاچه‌ها و مسایلی از این دست که موجب وارد کردن ضرر به محیط زیست می‌شود بر پایه این قاعده مهم فقهی جایز نیست. بدیهی است هر مقدار این زیان‌رسانی بزرگ‌تر و در تخریب محیط زیست مؤثرتر باشد، به طور روشن‌تر مضمول این قاعده خواهد بود. در زمان ما تخریب جنگل‌های بزرگ جهان و از بین بردن و آلوده کردن خاک‌ها، تأسیس کارخانه‌هایی که تصاعد گازهای گل‌خانه‌ای را در پی دارد و موجب افزایش دمای کره زمین می‌شود یا گازهایی که به لایه ازن لطمه می‌زند و نیز آلوده کردن آب‌ها از بزرگترین ضررها و ضارهایی است که آتش آن‌گریبان‌گیر همه انسان‌ها می‌شود. اگر پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) در روزگار ما زنده بود، بر پایه‌ی این حدیث و این قاعده روشن، این اقدامات افسار گسیخته را قاطعانه مهار می‌کرد.

این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلام است. مبنای این قاعده مبتنی بر عقل است یعنی حتی بدون حکم شارع از طریق خود عقل می‌توان به آن دست یافت. مستند آن نیز آیات ۱۸۲، ۲۲۳ و ۲۳۱ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره نساء و نیز روایات متعددی می‌باشد که از ائمه اطهار نقل شده است بموجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد حتی اگر قانونی وضع شود که موجب ورود ضرر به فرد و یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب ضرر گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد. البته در مواردی ممکن است میان اصل لا ضرر و اصل تسلیط که یکی دیگر از اصول حقوقی اسلام است تعارض بوجود آید. در این صورت باید به اجرای اصل لا ضرر پرداخت زیرا این اصل در جهت تأمین منافع عمومی اجرا می‌شود در حالی که اصل تسلیط هدفش حفظ حقوق خصوصی می‌باشد؛ مثلاً در بحث حفاظت محیط زیست اگر فردی در محدوده مالکیت خود به اقدامات مخرب زیست محیطی مانند آلوده کردن آب جاری یا قطع اشجار و درختان پردازد به استناد اصل لا ضرر باید مانع او گردید و به استناد همین قاعده در صورت ورود خسارات زیست محیطی او ضامن و مسئول است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در محیط زیست دو دسته مقررات قابل طرح است: یک دسته به مبحث آلودگی محیط زیست می‌پردازد مثل آلودگی هوا، آب، خاک و صدا و یک دسته دیگر در جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست یعنی حفاظت از منابع طبیعی است. هر دو دسته در قوانین ایران ممنوعیت دارد یعنی جرم تلقی می‌گردد.

در علم حقوق دو تقسیم‌بندی اساسی وجود دارد:

۱- حقوق عمومی و حقوق خصوصی

۲- حقوق ملی یا داخلی - حقوق بین‌المللی یا خارجی

حقوق عمومی، قواعدی است که بر روابط دولت با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد حقوق خصوصی، مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد است. در اینجا حقوق محیط زیست از رابطه دولت با افراد صحبت می‌کند پس جزء حقوق عمومی است. برای بررسی حقوق محیط زیست مجموعه مقرراتی قابل طرح است که بر اساس اصول قانونی باشد.

۱- قانون اساسی مصوب قوه مؤسس (مجلس مؤسسان)

۲- قانون عادی مصوب مجلس (شورای اسلامی)

۳- آیین نامه و تصویب نامه مصوب قوه مجریه

۴- ضوابط و استانداردهای شورای عالی محیط زیست

۵- رویه قضایی

۶- عرف (که برای مطالعه حقوق محیط زیست یک کشور همراه با مقررات فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد)

سر آغاز تاریخی محیط زیست را باید به طور جدی از اجلاس کنفرانس استکهلم دانست. این کنفرانس با حضور اکثریت سران کشورها در سال ۱۹۷۲ برابر خرداد ۱۳۵۱ در پایتخت سوئد تشکیل گردید. برای گسترش آموزش محیط زیست و طرح آن به عنوان یک بحران، سازمان ملل این کنفرانس را با عنوان سکونت گاه‌های انسانی تشکیل

داد. نتایج آن صدور اعلامیه و اصول محیط زیست در ۱ بند و ۲۶ اصل و یک برنامه عملی دارای ۱۰۹ توصیه نامه بود:

- ۱- برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد^۱ که برای محیط زیست جهان پیش‌بینی و تاسیس گردید.
 - ۲- لزوم حفظ تنوع گونه‌های ژنتیک گیاهی و حیوانی
 - ۳- لزوم هماهنگی برنامه‌های توسعه اقتصادی و پیشرفت با شرایط طبیعی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی یعنی توسعه پایدار
 - ۴- محدود کردن ساخت کارخانجات آلوده کننده و استفاده از مواد شیمیایی پایدار و فلزات سنگین.
 - ۵- جلوگیری از تخریب مواد آلوده کننده در اقیانوس‌ها و دریاها.
- بخش مواد رادیواکتیو این کنفرانس و نتایج آن سرآغاز حقوق محیط زیست به حساب می‌آید چون اولاً محیط زیست سالم را از حقوق بشر می‌دانند. لذا بحث توسعه پایدار را مطرح می‌کند که حفاظت از محیط زیست نباید به معنی دست زدن به محیط باشد بلکه توسعه باید به طور سازگار با طبیعت صورت پذیرد. بحث اعمال حاکمیت محدود کشورها در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی شان که برای نسل‌های آتی نیز حفظ شود. بحث همکاری دولت‌ها در مسائل محیط زیست جهان شمول آلودگی محیط زیست از طریق آب و هوا و قابل انتقال بودن آن.
- بیست سال بعد یعنی در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو پایتخت برزیل کنفرانسی با عنوان محیط زیست و توسعه از سوم تا چهاردهم ژوئن تشکیل گردید که این کنفرانس در بیانیه رسمی خود اعلامیه و اصول کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ را مبنای کار خود قرار داد و در اعلامیه‌های ۲۷ اصل مجدداً مسائل محیط زیست را تاکید نموده است. علاوه بر آن دو کنوانسیون یکی در باب تغییر آب و هوا، دیگری تنوع گونه‌های زیستی تهیه و آماده امضای کشورها گردید و دستور کار ۲۱ به امضای سران شرکت کننده در کنفرانس رسید که خط مشی و سیاست را برای قرن ۲۱ روشن می‌نمود.
- در ایران برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر اولین اجلاس بین‌المللی محیط زیست تهیه گردید و همانطور که بیان شد اجرا آن به عهده سازمان حفاظت محیط زیست گذاشته شد. همچنین سازمان متعهد به تهیه قوانین زیست محیطی کشور گردید که در سال ۱۳۵۳ مجموعه قوانین تحت عنوان قانون بهسازی محیط زیست تدوین و تصویب شد. این مجموعه بعد از انقلاب اسلامی تجدید نظر شد و مجموعه قوانین بازبینی شده در سال ۱۳۷۶ تایید و جهت تصویب تقدیم مجلس گردید که به تصویب نیز رسید.
- از مجموع احکام و مقررات اسلامی که در زمینه‌های مختلف حیات و زندگی بشر در قرآن و روایات مطرح شده است می‌توان به این حقیقت دست یافت که اسلام در صدد ساختن محیط زیست مناسبی برای بشر است زیرا مقررات فردی و اجتماعی اسلام در بخش اعتقادی، اخلاقی و اقتصادی در جهت تشکیل محیط زیست برتر، آرام، مطمئن، امن و همراه رشد و توسعه برای انسان‌هاست. چنانکه اصول تعاون، ایثار، انصاف، صلح و رحمت و مقررات رسیدگی به محرومان و سایر واجبات و محرمات در بخش اقتصادی اسلامی جزئی از طرح کلی نظام اسلام در زمینه احداث ساختمان محیط زیست انسانی به شمار می‌آیند.

^۱. UNEP

از این رو محیط زیست در میظر اسلامی محیط زیست انسانی تلقی می‌شود. در این باره حضرت آیه الله جوادی آملی چنین می‌فرماید: یکی از مسائلی که در متون دینی اسلام به آن توجه ویژه شده است مسأله محیط زیست است. تبیین محیط زیست ضرورت اهتمام به تامین سلامت آن اسول مبادی زیست محیطی راه‌های نیل به محیط زیست سالم و سرانجام اهداف اصیل آن از آن جهت که از حقوق اساسی بشر است از یک سو و جزو وظایف بشری است از سوی دیگر و تامین آن از علوم انسانی پایه می‌گیرد و از قدرت‌های بشری مایه‌گیری می‌کند. چنانکه تخریب آن نیز در اثر نشناختن حقوق بشر یا انجام ندادن وظایف بشری است.

رابطه فقه و محیط زیست از نظر محایت از آن که محیط را آلوده می‌کند و ضرر می‌رساند علاقه و رابطه‌ای واضح است. پس علم فقه همان علمی است که رابطه انسان را با خدا درست می‌کند و انسان را با خود و با خویشان و اجتماع و همچنین با طبیعت، طبق احکام شرعیه خمسه درست می‌کند یعنی هم چنان که سایر افعال انسان از این احکام خمسه خالی نیست رابطه با محیط زیست هم همین احکام خمسه را دارد که عبارت است از: وجوب، حرمت، استحباب و کراهت و مباح. به همین خاطر فقها اسلام نیز گفته‌اند که هیچ یک از افعال مکلفین از این احکام خالی نیست چه رابطه با خدا باشد و چه دیگر اشیاء و اجتماع و اقتصاد و سیاست و... هرکس که با فقه اسلامی آگاهی دارد می‌داند که فقه با محیط زیست علاقه واسعه‌ای دارد. پس از لحاظ ابواب فقهی نگاه کنیم اولین بابی که به این مسئله دلالت دارد باب طهارت است که مظهر محیط زیست سالم است.

همچنین در باب صلاۀ از لحاظ پاکی و نظافت بدن و لباس و مکان نماز گزار و درباب زکات و صدقات و اوقاف که فقرا و مساکین جامعه را در نظر داشته و برای سالم‌سازی جامعه از مسائل اقتصادی فرد و جامعه این چیزها گذاشته شده است و همچنین در باب حج این رابطه واضح است مثل تحریم صید و قطع نباتات و... و درباب معاملات مثل احياء موات و زرع و غرس و مساقات که بحث اصلی محیط زیست بشمار می‌رود و همین طور درباب جهاد که اسلام و فقه اسلامی جواب گوی این سوال است که در جهاد چه چیزی را می‌تواند اتلاف کند و چه چیزی نمی‌تواند اتلاف کند و حتی در باره چیزهایی مثل قطع درختان و قطع آب به درختان منع شده است بلکه از این بالاتر در فقه اسلامی درباره محیط زیست قاعده‌های کلی وجود دارد که هر قاعده خودش دارای فرعهای زیادی است. از قبیل قاعده لا ضرر و لا ضرار و قاعده الضرورات تبيح المحظورات و قاعده الضرورات تقدر بقدرها، الاضرار لا يبطل حق الغير و قاعده اذا زال المانع عاد الممنوع و قاعده‌های دیگر که در این باره کتابهای مستقلى نوشته شده است و در این مقاله گنجایش ذکر و تفصیل همه آنها را ندارد. چون محیط زیست اکثرو بیشتر با جامعه و اجتماع مربوط است لذا در فقه اسلامی نیز ضمن همین قواعد مذکور در قبال مسائل جمعی و اجتماعی مسائل فردی را کنار می‌گذارد اگر چه آزادی فردی زیر پا گذاشته شود چون در شریعت اسلامی آزادی فردی مقید به ضرر نرسیدن به غیر است.

قاعده لا ضرر بر گرفته از سخن پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم است که آن حضرت فرمود «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» این گهر گفته در ضمن روایات مختلف و متعددی نقل شده است و کثرت این روایات به اندازه‌ای است که فخرالمحققین آن را متواتر می‌داند و حضرت امام راحل آن را در زمره روایات مستفیض قرار می‌دهد. به هر حال سند این روایت نه تنها بی اشکال است، بلکه به قدری متقن است که می‌توان به یقین گفت که این سخن از

پیامبر اکرم صادر شده است. معروفترین روایتی که در بردارنده این قاعده است، روایتی است که محدثان بزرگ اسلام آن را روایت کرده‌اند. یکی از راویان این حدیث، کلینی است که در کتاب کافی از امام باقر علیه السلام آن را گزارش کرده است:

زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: سمره بن جندب درخت خرمایی را در بوستانی داشت و سمره بی آنکه اذنی بگیرد و الاغم ورود کند، به درخت خرمایش سر می‌زد. مرد انصاری به او گفت که هرگاه میخواهی وارد باغ شوی اجازه بگیر و پس از اجازه وارد شو و به درخت خرمایت سر بزنی؛ اما سمره سر باز زد. مرد انصاری نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از او شکایت کرد و گزارش ماجرا را بدو داد. پیامبر از پی سمره فرستاد و سخنان مرد انصاری و شکایتش را بدو باز گفت و فرمود هرگاه خواستی داخل باغ او شوی اذن بگیر. او همچنان امتناع ورزید و چون چنین کرد حضرت پیشنهاد کرد درخت خرمایش را با قیمت بالا بدو بفروشد و او نپذیرفت و حضرت همچنان بر قیمت آن افزود تا آن جا که قیمت پیشنهادی بسیار زیاد شد و سمره قبول نکرد. حضرت بدو فرمود آن را در برابر درختی در بهشت بفروش. او این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مرد انصاری گفت: برو درخت او را بکن و پیش او بینداز. چه در اسلام ضرر و ضرار نیست.

همان طور که در حدیث آمده است جمله «فَأَنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» را پیامبر خدا به عنوان یک قاعده کلی مطرح فرمود. در باره معنای این جمله مطالب فراوانی وجود دارد که فرصتی فراخ تر و پژوهشی در خور می‌طلبید؛ و در این فشرده نمی‌گنجد. از این روی در این مقاله تنها به دیدگاه امام راحل می‌پردازیم. «ضرر» به معنای زیان جانی و یا مالی (نقص مالی و جانی) است؛ و «ضرار» به معنای در تنگنا قرار دادن، ناراحت کردن و برکسی حرج وارد کردن است. پس از توضیح دو کلمه «ضرر و ضرار» نوبت به معنای جمله «لا ضرر و لا ضرار» می‌رسد. امام راحل در این باره نظریات بدیع دارد و معتقد است این یک حکم حکومتی و دستور العملی است که بعد از رهبری و زعامت پیامبر صادر شده است. توضیح اینکه پیامبر سه منصب داشت. منصب تبلیغ و رسانیدن پیام خداوند به مردم، منصب قضاوت و داوری میان خواهان و خوانده. منصب ریاست، ولایت و رهبری. ولیکن این یک حکم حکومتی موقت نیست، بلکه حکم حکومتی دائمی و جاودان است. آن حضرت با این جمله کوتاه و پر معنا در پی بیان آن است که در حوزه ولایت و گستره حکومت این هیچ کس نباید به دیگران زیان مالی و جانی برساند. و یا دیگران را ناراحت کند و آنان را در تنگنا قرار دهد. لیکن این حکم از نوع احکام حکومتی ثابت است و امت باید از آن پیروی کنند.

بسیاری از مسائل طبیعت و محیط زیست در روزگار ما به گونه‌ای به این قاعده مرتبط است. به عنوان نمونه کارخانه‌ای که هوا را آلوده می‌کند و یا فاضلاب آن‌ها به رودخانه‌ها می‌ریزد و با آلودگی هوا و آب‌ها به گونه‌ای به جامعه زیان می‌رساند و یا خود روهایی که در شهرها به هر دلیل هوا را آلوده می‌سازند و یا آنان که در حد کلان در از بین بردن لایه اُزن، آلوده کردن دریاها تغییر دمای زمین و... مؤثرند، همه مشمول این قاعده‌اند و بر طبق آن حکومت اسلامی نباید اجازه دهد کسی به فرد دیگر و به طریق اولی به جامعه که افراد متعددی را در بر دارد، زیان رساند و یا بطور غیر مستقیم با تجاوز به محیط زیست، آنان را در تنگنا قرار دهد و اصولاً هرگونه تجاوز به محیط زیست نوعی زیان رسانی به مردم است که در حدیث شریف از آن به «ضرر» تعبیر شده است. به همان سان که آن‌ها

را به لحاظ جسمی و روحی و گاه اقتصادی در تنگنا قرار می‌دهد و آنان را ناراحت می‌کند که در حدیث شریف از آن به «ضرار» یاد شده است.

مشکل عمده جوامع بشری این است که محیط زیست را کالای رایگان تلقی می‌کنند و موهبت‌هایی را که خدا به آنان داده طبیعی می‌دانند. امروزه تقاضا برای استفاده از محیط زیست روز به روز بالا می‌رود به ویژه از طرف جوامع صنعتی. ولی باید متذکر شد که این جوامع دو راه بیشتر در پیش روی ندارند. یا باید از تقاضای خود بکاهند و یا باید هزینه آلوده کردن محیط را پردازند. در واقع مردم به ویژه جوانان از مسایل مربوط به محیط زیست باخبرند. ولی برنامه‌ریزی و خط مشی واضح و مشخصی برای حفظ محیط زیست در دسترس آنان نیست و جوامع و کشورها باید راهکارهای مناسب را برای حفظ محیط زیست در اختیار مردم قرار دهند. توسعه باید توسط مردم باشد و نه برای مردم؛ به عبارت دیگر توسعه باید با مشارکت مردم اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ انجام گیرد زیرا تنها در این صورت است که اقدامات توسعه بر اساس و منطبق با نیازها خواهد بود؛ و چون به وسیله خود مردم طراحی شده است، پایدار خواهد ماند. از طرف دیگر مشارکت مردم در روند توسعه، آن را توان مند خواهد ساخت تا مسائل و مشکلات خود را بیابند. برای مشکلات خود برنامه‌ریزی کنند و برنامه را خود اجرا نمایند و بعد هم آن را ارزیابی کنند. تنها در این صورت است که می‌توان ورود مردم را در روند توسعه تضمین نمود و به تحقق اهداف توسعه امیدوار بود.

گرچه درباره قاعده لاضرر سخن بسیار رفته و احتمال‌های گوناگونی مطرح شده، هر یک از آن‌ها معنای اصلی قاعده را که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می‌کند، وسعت می‌بخشد. این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون‌گذاری و اجرای قانون به شمار می‌رود و بنابر آن، هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود، از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست‌محیطی را می‌توان در قالب قاعده لاضرر بررسی کرد، مانند:

- بیرون ریختن زباله‌ها به خصوص زباله‌هایی که تجزیه نمی‌پذیرند
- بهره‌برداری غیرمجاز از جنگل‌ها و حریم دریاها که در جریان سیل و دیگر مشکلات زیست‌محیطی تأثیری بسزا دارد
- اشغال خیابان و پیاده‌رو توسط مغازه‌داران، فروشندگان و دیگران
- استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیر استاندارد
- ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس جشن و عروسی، بوق‌زدن‌های بی‌جای اتومبیل‌ها، سروصدای غیرطبیعی، حتی صدای بلندگوی مساجد و هیئت‌های مذهبی

Persian references

- Vahid Majid (2001), Introduction to Public Policy, Journal of Law and Political Science (University of Tehran), No. 52 (34 pages - from 185 to 218)
- Ashtariyah, Kiyomars (2007), The Relationship between Political Power - Discipline and Budget (Case Study of the Presidential Fund's Current Budget Agreement), Quarterly Journal of Policy, Issue 2

- Kamali, Yahya (2016), The Role of Civil Society in the Process of General Policy Making A Conceptual Framework, Quarterly Journal of Policy Research, No. 20
- Vahid Majid (2001), Introduction to Public Policy, Journal of Law and Political Science (University of Tehran), No. 52 (34 pages - from 185 to 218)
- Bahrami Ahmadi, Hamid (2009), Political-Legal Policies of the Islamic Republic of Iran in Environmental Protection. Two Journal of Political Knowledge Research, 5 (9), 93-114.
- Mir Hosseini, Seyyed Majid and Farsima Khamsi Pour (2014), The Civil Liability Claims Act, the Strategy of the European Union and Iran, Strategic Quarterly, No. 73
- Gholizadeh, Ahad(2002), A Look at Environmental Protection Regulations in Iran, Political and Economic Information Quarterly, No. 183 and 184
- Elsan, Mostafa (2007), Principles of Biological Ethics, Quarterly Journal of Legal Research, No. 45
- Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad Tamimi (1360), Gharir al-Hakam and Dr al-Klamm. Translator: Jamaloddin Mohammad Khansari, with the study of Mir Jalal al-Din Mohaddesi Armoi. Tehran: Tehran University.
- Ibn Abi Al-Hadeid, Nahj al-Balaghah Explanation.
- Ibn Hanbal, Ahmad (Bey) Mossad Ahmad ibn Hanbal. Beirut: Dar Al-Fakr.
- Ansari, Sheikh Mortazai (2006), Fareed Allah. Qom: The Ismaili Institute.
- Bojnourdi, Seyed Hassan Mousavi (1413) Al-Qawad al-Faghieh. Qom: The Ismaili Press Institute.
- Haramali, Mohammad ibn Hassan (2013) Al-Shi'a'Aw al-Shi'a ', Education of the Issues of Al-Sharia, Beirut: Dar al-'Ayad al-Ara't al-Arabi.
- Hosseini Sistany, Seyyed Ali (1414), the rule of Allah and La Aharar. Qom: Al-Bateen Institute.
- Hosseini Maraghi, Mir Abdul Fatah (1418) Al-Jawin. Qom: Society of Teachers Publishing.
- Hosseini, Seyyed Ali (2001) An Analysis of Theories Related to Government Sentences.
- Hosseini, Seyyed Ali (2001) Nature and the environment from the point of view of Islam. Qom: The publication of the verse of life.
- Hosseini, Seyyed Ali (2003) Nature and agriculture from the point of view of Islam. Tehran: Lighthouse village.
- Hosseini, Seyyed Ali (2004) Delicacy and pleasures of nature. Qom: The publication of the verse of life.
- Heydari, Mohammad Hassan and Hosseini, Seyyed Ali and other authors (2006) Nature in the prophetic way. Qom: The publication of the verse of life.
- Heidari, Mohammad Hassan and Hosseini, Seyyed Ali (2008) Nature in the Razavi era. Qom: The publication of the verse of life.
- Kharir Ghomi (B) Khalayeh. Qom: Bidar Publications.
- Khorasani, Mohammad Kazem (1414). Qom: Al-Nasr al-Islami Institute.
- Khomeini Rouhollah (2018) The book of al-Bayi. Najaf: Mubayat al-Adab.
- Khomeini, Ruhollah (1414) Bada'a al-Dera'r in the governor's office. Qom: Institute for publishing and arranging works of Imam Khomeini (RA).
- Seyyed Razi, Nahj al-Balaghah (bayat) by researching and correcting fayz al-Islam. Impossible
- Siouti, Abdurrahman (Bey) Tengir Al-Hawalak. Impossible
- Tabatabaei, Mohammad Hussein (1362) Nahih al-Hakma al-Mutaleyyyah al-Asfar al-Abaaa. Beirut: Dar al-Alia'at al-Arab.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (2014) Al-Mizan in the commentary on Al-Quran. Qom: The Ismaili Press Institute.
- Tusi, Mohammad ibn Hasan (2011) Tekhzip Alahakam. Beirut: Dar el-Sab, Al-Tha'ar.
- Toosi, Mohammed ibn Hasan (Bey) Almbosat. By the effort of Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Mortazavi Publications.
- Clinic, Mohammed ibn Ya'qub (1401) al-Kafi. Beirut: Dar el-Sab, Al-Tha'ar.
- Majlisi, Mohammad Baqir (Biyat) Biar al-Anwar. Tehran: Dar Kabb al-Islamiyah.
- Makarem Shirazi, Nasser (1411) Alqawad al-Fiqahi. Qom: Alamam Amir School
- Al-Mu'minin, Almah Tabataba'i, al-Mizan, J 16, pp. 205 and 206.
- English references
- Environmental Performance Index (EPI), 2016,

<https://epi.envirocenter.yale.edu/downloads/epi2018policymakerssummaryv01.pdf>

- online references

<http://policymaking.com>